

الطبعة الثانية

عقيدة الشيعة

تأصيل وتوثيق من خلال سبعين رسالة اعتقادية
من القرن الثاني لغاية القرن العاشر الهجري

جمع و تحقيق و تقديم

الشيخ محمد رضا الأنصاري القمي

٥٨

رسالة أصول و فروع

ضياء الدين علي بن سديد الدين داود الحسيني الجرجاني
لعله من أعلام القرن التاسع الهجري

✽ هذه الرسالة السابعة من مجموعة رسائل سديد الدين الجرجاني في أصول الدين، وهي أيضاً كأخواتها مدونة باللغة الفارسية، وقد استفدت في هذا التحقيق من النسخة الموجودة في المكتبة المركزية لجامعة طهران، و رقم المجموعة ٢ / ١٠١٥.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الفقيرُ إلى الله المجيد، ضياء الدين بن سديد جرجاني:

اگر تو را پرسند: که خدای را شناسی؟

بگو: شناسم.

اگر تو را پرسند: که خدای را به چه شناسی؟

بگو: به آنکه عالم آفریده، و ایجاد کرده، بعد از آنکه عالم نبود.

و اگر تو را پرسند: که عالم چیست؟

بگو: که ما سوی الله عالم گویند، چون آسمان و زمین و آفتاب و ماهتاب

و غیره.

اگر تو را پرسند: که صفات ثبوتیه، که خدای را سزد و شاید، کدام است؟

بگو: آنکه وی موجود، و واجب الوجود، و قدیم و ازلی، و باقی و ابدی، و

سرمدی، و قادر، و عالم، و حی، و سمیع، و بصیر، و مُدرک، و مُرید، و کاره، و

متکلم، و عادل، و یکی است.

اگر تو را پرسند: که صفات سلبيه که خدای را نسزد و نشاید، کدام است؟

بگو: آنکه جسم و جوهر و عَرَض نیست، و مرکب و متحد و محتاج نیست، و

در مکان و در جهت نیست، و دیده‌نی و حُلُول بر وی روا نیست.

اگر تو را پرسند: که ایمان چیست؟

بگو: ایمان تصدیق بود؛ یعنی باور داشتن به دل مر پیغمبر را به جمیع چیزها،

که این پیغمبر بدان آمده باشد، و آورده و به خلقان رسانیده از نزد خدای

عزّوجلّ.

اگر تو را پرسند: که اسلام چیست ؟

بگو: اسلام نیز به همین معنی بود، و فرق نبود میان ایمان و اسلام.

اگر تو را پرسند: که ایمان داری ؟

بگو: دارم .

اگر تو را پرسند: به چه چیز ایمان داری ؟

بگو: به پنج چیز :

اول: ایمان دارم به خدا .

دوم: ایمان دارم به فرشتگان وی .

سیم: ایمان دارم به کتابهای وی .

چهارم: ایمان دارم به رسولان وی .

پنجم: ایمان دارم به روز قیامت .

و مؤمن بدین پنج چیز بود .

اگر تو را پرسند: که ظهور و شعار ایمان به چه چیز ؟

بگو: گفتن کلمه شهادت، و به گذاردن پنجگانه نماز، و بدادن زکات مال، و

بداشتن روزه ماه رمضان، و به حج کردن خانه کعبه کسی را که استطاعت باشد. و

بنای مسلمانی بر این پنج چیز بود .

اگر تو را پرسند: نماز کردن دانی ؟

بگو: بلی، دانم .

اگر تو را پرسند: که پیش از نماز چند چیز فرض است ؟

بگو: ده چیز :

اول: طهارت کردن .

دوم: وقت شناختن .

سیم: قبله شناختن.

چهارم: عدد فرایضها دانستن .

پنجم: ستر عورت .

ششم: شناختن لباس .

هفتم: شناختن مکان.

هشتم: پاک بودن تن.

نهم: پاک بودن لباس .

دهم: پاک بودن موضع سجود.

اگر تو را پرسند: که طهارت چند است ؟

بگو: طهارت سه :

اول: وضوء .

دوم: غسل .

سیم: تیمم .

اگر تو را پرسند: فعلهای فرض در وضو چند است ؟

بگو: پنج است :

أول: نیت کردن.

دوم: روی شستن.

سیم: هر دو بال شستن .

چهارم: مسح سر کردن.

پنجم: مسح هر دو پای کردن .

اگر تو را پرسند: که غسلهای فریضه چند است ؟

بگو: شش:

أَوَّل: غُسل جنابت .

دوم: غُسل حیض .

سِیم: غُسل استحاضه .

چهارم: غُسل نفاس .

پنجم: غُسل میّت .

ششم: غُسل مَسِّ میّت .

اگر تو را پرسند: که در غُسل جنابت چند فرض است ؟

بگو: پنج چیز :

أَوَّل: نیت کردن .

دوم: سر با همه تن شستن .

سِیم: نیت پیوسته داشتن به شستن سر .

چهارم: بر حکم نیت بودن تا فارغ شدن .

پنجم: ترتیب نگاه داشتن .

اگر تو را پرسند: فیعلهای فرض در تیمم چند است ؟

بگو: چهار:

أَوَّل: نیت کردن .

دوم: دست به خاک زدن .

سِیم: مسح پیشانی کردن .

چهارم: به کف دستها مسح پشت دستها کردن .

اگر تو را پرسند: مبطلات وضو چند است ؟

بگو: ده است :

أَوَّل: بول .

دوم: غایط .

سیّم: بادی که از موضع معتاد بیرون آید.

چهارم: خواب .

پنجم: دیوانگی .

ششم: بیهوشی .

هفتم: جنابت .

هشتم: حیض .

نهم: نفاس .

دهم: مسّ میّت آدمی مرده سرد شده ناشسته .

اگر تو را پرسند: که نجاسات چند است ؟

بگو: ده است :

أول : بول .

دوم: غایط.

سیّم: منی .

چهارم: خون.

پنجم: مردار.

ششم: سگ .

هفتم: خوک .

هشتم: کافر.

نهم: مُسکرات.

دهم: فُقّاع.

اگر تو را پرسند: مطهرات چند است ؟

بگو: ده چیز است :

أول: آب .

دوم: زمین .

سیم: آتش .

چهارم: آفتاب .

پنجم: استحاله .

ششم: انقلاب .

هفتم: انتقال .

هشتم: زیاده .

نهم: نقصان .

دهم: اسلام .

اگر تو را پرسند: نمازهای فریضه چند است ؟

بگو: نه است :

اول: نماز یومیه .

دوم: نماز جمعه، اگر شرط حاصل بود .

سیم: نماز عیدین .

چهارم: نماز گرفتن آفتاب و ماه .

پنجم: نماز زلزله .

ششم: نماز آیات .

هفتم: نماز طواف واجب .

هشتم: نماز نذر .

نهم: نماز میّت .

اگر تو را پرسند: که نماز یومیه چند است ؟

بگو: پنج است :

اول: نماز پیشین .

دوم: نماز دیگر .

سیم: نماز شام .

چهارم: نماز خفتن .

پنجم: نماز بامداد .

اگر تو را پرسند: مجموع نماز یومیه چند است ؟

بگو: هفده رکعت است ؛ نماز پیشین و دیگر و خفتن، هر یکی از ایشان چهار رکعت بود در حضر، و دو رکعت بُود در سفر. و نماز شام و بامداد در حضر و در سفر به حال خود بُود و کم نشود .

اگر تو را پرسند: که فعلهای فرض در نماز یومیه چند است ؟

بگو: هشت است :

أول: نیت کردن .

دوم: تکبیر احرام گفتن .

سیم: قرائت خواندن .

چهارم: قیام .

پنجم: رکوع .

ششم: سجود .

هفتم: تشهد .

هشتم: سلام .

و نماز گرفتن آفتاب و ماهتاب و زلزله، هر یک از ایشان دو رکعت به دو رکوع و چهار سجده و یک سلام. و نماز میّت پنج تکبیر بُود و چهار دعا، و در وی قرائت و رکوع و سجود و تشهد و سلام نبود؛ واللّهُ أَعْلَمُ. تَمَّتْ.

